

تمدن و فرهنگ ایران

در دوره سنگ افراشته

باقم سیف الدین قائم مقامی
(دکتر در تاریخ)

دوران های مربوط به
پیدایش نوع بشر و تاریخ تمدن
آنرا در پیش از تاریخ معمولاً
بسه عهد تقسیم می کنند:

۱- عهد احوال ابتدائی که
بشر در این عهد فقط از حیث قوای
عقلی بر حیوانات برتری داشته
و اثری جز چند تکه استخوان
از او باقی نمانده است :

۲- عهد حجر که بعقیده
بعضی از محققان از پنجاه تا صد
هزار سال قبل از میلاد شروع
می شود و بسه دوره پالئولی تیک
«پارینه سنگی»^۱ مژولی تیک
«میانه سنگی»^۲ و نئولی تیک
«نوسنگی»^۳ تقسیم می گردد.

۳- عهد فلزات که از هفت
هزار سال پیش از میلاد آغاز

میشود و معمولاً قسمتی از آنرا مقارن شروع تاریخ میدانند، در اینجا باید یاد آورشد که در عهود بالا سیر تکامل تمدن بشری در همه جا یکسان و تاریخ شروع آن در یک زمان نبوده است. اقوام مختلف در ازمنه متفاوت در بعضی از مراکز اجتماعات انسانی بمراحلی از تمدن رسیده‌اند که در نقاط دیگر مدت‌ها طول کشیده تا همنوعان آنان بتوانند به آن مراحل برسند. هنلا استفاده از فلز که در شرق از حدود هفت تا پنج هزار سال پیش از میلاد آغاز می‌گردد در غرب ظاهراً دوهزار و سیصد سال قبل از میلاد جلوتر نمی‌رود و با خط و کتابت که در شرق از او اخر دوره مفرغ رواج داشته و دوره تاریخ آغاز گردیده بوده در اروپا هنوز خط و کتابتی وجود نداشته و مردم آنجا در دوره پیش از تاریخ بسیار دند.

استعمال آهن که در شرق از حدود دوهزار سال پیش از میلاد یعنی در بحبوحه دوره تاریخی شروع میشود در غرب تا حدود یکهزار سال قبل از میلاد مورد استعمال آنرا تقریباً نمیدانستند و شاید هنوز خط و کتابت هم آشنائی نداشتند چه تا کنون اسناد و مدارک کتبی از این زمان بدست نیافرده است.

دو دوره نئولیتیک که باید شروع آنرا در فاصله هزاره دهم تا هزاره ششم قبل از میلاد دانست بیک نوع بنای سنگی بر می‌خوریم که بدست بشر بوجود آمده و بفرانسه آنها را *Monuments Megalithiques* مینامند این بنای سنگی بر چهار نوع می‌باشند.

اول- سنگ افراشت‌هایا Menhir ها که بزبان سلتی از دو قسمت Menhir به معنی سنگ و hir بمعنی دراز قرکیب شده و ترجمه آن سنگ دراز می‌شود. این نوع سنگ‌های عبارت از سنگ‌های بسیار بزرگ و درازی می‌باشند که بطور عمودی در دل خالک‌فروبرده شده‌اند بنحویکه قسمت اعظم آنها از زمین بیرون است و چنانکه نوشته‌اند بلندترین سنگ افراشت Maner Groash بوده که در بخش Locmariaquer در ولایت هریهان فرانسه قرار داشته و در حدود بیست و سه مترونیم طول آن بوده ولی برآثر زلزله و یا صاعقه بزمین افتاده و خرد شده

است. اما سنگ افراشت Kerloas که دوازده مترا رتفع دارد در بخش Plouazel از ولایت فینیستر فرانسه هنوز بر پا میباشد.

دوم- حصار سنگی ها یا Gromlech ها که لغت آن از دو کلمه Crum یعنی منحنی و Lech بمعنی سنگ ترکیب یافته و عبارت از هجموع چند سنگ افراشت است که با فاصله هایی اغلب تقریباً هساوی از یکدیگر معمولاً باشکال بیضی، دایره، نیم دایره، مربع و یا مستطیل قرار گرفته اند و بعضی اوقات در مرکز آنها سنگ افراشت دیگری واقع شده که از دیگران بزرگتر میباشد.

سوم- سنگ رده هایا Alignement ها که از یک یا چند رده های موازی سنگ افراشت تشکیل شده است.

چهارم- خانه سنگی هایا Dolmen ها که بزبان سلتی آنانرا Tolmen یعنی میز سنگی میگفتند از دو قسمت Dol بمعنی میزو Meng یعنی سنگ ترکیب کردیده و عبارت از اطاق های کوچک و یا بزرگی هستند که در آنها مرد کان را قرار میدادند و ساختمانشان شامل چند سنگ دراز میباشد که به حال عمودی و نزدیک بیکدیگر در زمین برپا شده اند و بر روی آنها یک یا چند تخته سنگ مسلح، بطورافقی و پهلوی هم خوابانیده اند بقسمی که سنگ های عمودی پایه ها و یادیوارهای اطاق و سنگ های افقی سقف آنرا تشکیل میدهند و از هجموع سنگ های مذکور بنائی بوجود آمده که بشکل میز سنگی و یا خانه سنگی میباشد و همیشه لااقل یک ظرف آن باز و یا دارای درویا سوراخی است.

این بناهای دارای انواع متفاوت هستند و بناهای عامیانه در ممالک مختلف آنان را سنگ پری، غار پری، خانه پری، تخت غول و در شمال افریقا ماوی جن مینامند.

طبق تحقیقات علمی که شده و نظریاتی که ابراز گردیده کلیه بناهای سنگی بر روی زمین دارای جهاتی هستند که با وضع ستار کان در آسمان تنظیم شده بوده است. بدین معنی که اگر کلیه سنگ افراشت های عالم، منشور هایی تصور شود که قاعده آنها کثیر الاضلاع است همیشه ضلع بزرگ این کثیر الاضلاع

در جهت برآمدن خورشید در آسمان و در برابر جنوب میباشد. حالاً گر قاعدة منشوری مثل سنگ افراشت شامپو^۱ مربع باشد بنا چار ضلع مربع در جهت برآمدن آفتاب و هریک از سطوح اطراف منشور در مقابل جهات اربعه است. اما در سنگ افراشت‌های توأم مانند کوزاورهای گفتگو کنندگان «جزیره‌سن^۲ پیژو مل» سنگ دوقلو^۳‌های منت‌سن‌الوای پا دو کاله^۴ در فرانسه و دو خواهران چزیره خارک خطی که دو سنگ افراشت را ولو با فاصله چند کیلومتر بهم وصل میکند دقت شود باز خط مزبور در جهت برآمدن آفتاب است.

در حصار سنگی‌ها که باشکال متفاوت نیم‌دایره، دایره، بیضی، مستطیل مربع وغیره بناسده‌اند در ساختمان آنها نیز رعایت جهات اربعه، حرکت خورشید در فصول مختلف سال و بالاخره تقارن بعضی از سنگ افراشت‌ها با ستارگان گردیده است مثلاً در حصار سنگی کروکونو^۵ که بشکل مربع کامل میباشد هر سمت آن دقیقاً بایکی از جهات اربعه مطابقت دارد و اقطار قاعدة هر بعی آن با انقلاب‌های^۶ تابستانی و زمستانی آفتاب تطبیق میکند، در حالی که منصف شرقی غربی قاعده آن در جهت اعتدال^۷ بهاری و پائیزی است همچنین در ساختمان حصار سنگی استون‌هنچ^۸ در شمال سالیسبوری^۹ در ویل شایر^{۱۰} انگلستان که بایکی از زیباترین و کاملترین بناهای سنگی عالم میباشد از نظر علوم ریاضی، هندسه و نجوم نهایت دقت شده است. ولی چون توجیه آن محتاج شرح مفصل خواهد بود که ما را از مطلب دور خواهد انداخت از بحث درباره آن خودداری میشود^{۱۱} و فقط از آنچه برای شناختن سن این حصار سنگی

Ille - et - Vilain Champeaux -4

Les Causeurs I'Ille de Sein -5

Les «Pierre Jumelles» de Mont - Sait - Eloi Pas de Calais -6

7 - Crucuno 8 - Solstice 9 - Equinoxe 10 - Stonchenge 11 - Salisbury

12 - Wiltshire

۱۳ جهت کسب اطلاعات بیشتر درباره استون‌هنچ و ساختمان آن رجوع شود به کتاب

Stonehenge and Avb and Neighgouring Monuments. By: R.J.C.

Atkinson

استفاده شده و نسبت بسایر بناهای سنگی کم و بیش قابل اعمال است یاد می‌گردد. جهت شناختن سن حصار سنگی استون هنج سه طریقه بکار رفته است که هر سه آنها با تقریب یکصد و پنجاه سال اختلاف به نتیجه واحد رسیده‌اند.

۱- طریقه باستانشناسی - بوسیله بررسی اشیاء سنگ چخماقی^{۱۴} که در حفاری‌های داخل حصار سنگی مذبور بسدست آمده و مربوط به اوآخر دوره نهولی تیک در اروپا یعنی تقریباً دو هزار سال پیش از میلاد می‌باشد.

۲- طریقه نجومی - در سال ۱۹۰۱ سرنور من لا کیر^{۱۵} منجم انگلیسی طبق انحرافی که در ۲۱ زوئن بین نقطه برآمدن آفتاب و محور حصار سنگی استون هنج و هدچنین یکی از سنگ افراشتهای آنکه هردو در سابق با برآمدن خورشید در این روز میزان بوده‌اند، مشاهده نمود، از روی زاویه انحرافی که باعتدال بهاری پیدا شده بود، تاریخ بنای این حصار سنگی را در حدود ۱۸۵۰ سال قبل از میلاد تقویم کرد.

۳- طریقه فیزیک جدید - در سال ۱۹۵۰ باستانشناسان انگلیسی در ضمن حفاری حصار سنگی استون هنج بقطعه ذغال چوبی برخوردند و آنرا به آزمایشگاه پروفسور لیب بی^{۱۶} در شیکاگو که متخصص در تعیین تاریخ اشیاء قدیمی بوسیله روش معروف به «کاربن ۱۴» است فرستادند. آزمایشگاه مذکور با روش نامبرده که مبتنی بر خواص رادیواکتیو یک ایزوتوپ کاربن معمولی داخل در ماده ارگانیک است، پس از آزمایشهای لازم، سن آنرا در حدود ۱۸۴۸ پیش از میلاد برآورد کرد.

در بنای سنگ رده‌ها نیز رعایت تنظیم با حرکت ستارگان و مخصوصاً خورشید شده است مثلاً درسه سنگ رده کر لسکان^{۱۷} کرماریو^{۱۸} و منک^{۱۹} منطقه کارنال^{۲۰} در فرانسه اولی درجهت برآمدن و آغاز اعتدال بهاری و پائیزی،

14-Exile 15-Sir Narman Gochyer

16- Prof Willard F. Libby 17- Corlonly 18- Kerlesan

19-Kermario Aarmariq 20- Menec 21- Yareac

دومی بر روی طلوع انقلاب تابستانی و سومی روی یک طالع حد وسط قرار دارد. اما در خانه سنگی‌ها که برای قراردادن نعش و یا استخوان مردگان در آنها، ساخته شده‌اند و از لحاظ ساختمان کاملترین نوع بناهای سنگی می‌باشد. مراعات جهات اربعه گردیده است گواینکه بسیاری از باستان شناسان عقایدی در این باره اظهار داشته و هر یک سعی نموده‌اند دلائلی برای آن پیاووند و یا آنها را بجهات دیگر مناسب سازند، ولی آنچه در بنای خانه سنگی‌ها بیشتر شایان وقت و حائز اهمیت است هنر و صنعتی می‌باشد که در آنها بکار رفته است. مثلاً بر روی پایه‌های عمودی بعضی از خانه‌ها حجاری‌هایی شده و نقوشی گردیده که بهترین معرف هنر حجاری در این دوره می‌باشد. در حالیکه در بسیاری دیگر علم و صنعت وجود جهد افراد دست‌بده است هم داده و آثاری چنان عظیم بوجود آورده‌اند که انسان از دیدن آنها بحیرت می‌افتد و برای نمونه از چند تای آنها در زیریاد می‌شود. اما چون حجم و وزن دقیق پایه‌های عمودی اغلب خانه سنگی‌ها بعلت مستور بودن از خاک هنوز معلوم نیست، لذا تنها بذکر ابعاد حجم و وزن تخته سنگ‌های سقف آنها که بطور اتفاقی بر روی پایه‌ها قرار دارد و در واقع سقف را تشکیل میدهد اکتفا می‌گردد.

الف - سنگ سقف یکی از سه خانه سنگی حاهون^{۲۲} در شمال سؤول در کشور کره که از همه بزرگتر است دارای هفت متر طول، چهار مترو نیم عرض، یک متر ضخامت و در حدود سی و یک متر مکعب حجم و بیش از شخص تن وزن می‌باشد.

ب - سنگ سقف خانه سنگی آنت کرا^{۲۳} در اندلس اسپانیا دارای هشت متر طول، شش مترو نیم عرض یک متر ضخامت، تقریباً پنجاه و دو متر مکعب حجم و بیش از یکصد تن وزن است.

ج - سنگ گرانیت^{۲۴} کبود رنگ خانه سنگی گاست^{۲۵} در کالواوس^{۲۶} در

22-Ha-Heum 23-Antyuera 24-Grenit 52-Gast

امروزه این سنگ شکسته و بد و قسمت تقسیم شده و بهمین جهت آن را می‌نامند.
Pierre Ceouplee
26-Calvados

فرانسه دارای ده هتر و شصت سانتیمتر طول ، سه هتر و نیم عرض ، چهار هتر ضخامت، در حدود یکصد و چهل و هشت متر مکعب حجم و بیش از سیصد تن وزن میباشد.

در اینجا باید خاطرنشان ساخت که کلیه سنگها یک که در ساختمان بنای سنگی بکار رفته در همانجا بدست نیامده و گاه از محلی صدھا کیلو متر دور تر بدان مکان حمل شده است . حال آیا چه وسیله نقلیه‌ای این سنگها را از نقطه‌ای بنقطه دیگر انتقال داده ؟ راه شوشه‌ای که قادر تتحمل عبور چنین وسیله نقلیه و بار سنگین آنرا داشته چگونه بوده ؟ آیا بهجه طریق و ترتیب توانسته‌اند سنگهای مذکور را به جای عمودی و اداشته بر روی آنها سند دیگری را به جای افقی سوار کنند ؟ آیا بهجه نحو از موقع خورشید و سایر ستارگان و طرز حرکت سیارات در آسمان با خبر بوده‌اند تا در ساختمان بنای سنگی خود از آنها استفاده نمایند ؟ همه مسائلی هستند که متأسفانه پاسخ بدانها میسر نیست . گواینکه بعضی از دانشمندان سعی نموده‌اند بكمک حدس و گمان راه حل‌هایی برای آنها ارائه دهند و با توجیه‌های خود دیگران را قانع سازند . اما آنچه بطور قطع و یقین و بجزئیت میتوان گفت کسانی که در حدود دو تاسه هزار سال پیش از میلاد قادر بانجام چنین اعمالی بوده‌اند در مرافق عالی تمدن بشری قرار داشته‌اند و میزان تمدن و سطح فرهنگ آنها قسمی نبوده که بشر بتواند در عرض مدت کوتاهی با آن پایه برسد ، بلکه هزاران سال وقت گذشته و کوشش‌های بسیار شده تا چنین تمدن و فرهنگی بوجود آمده است . این بنای سنگی که از زاین و کره تا ایرلند و اسیلان و هند تا سوئد بطور پراکنده دیده میشود باستانی بعضی از بنای سنگی هندو جنوب آسیا که بقرون جدیدتر مربوط میباشد بقیه بنای سنگی تقریباً بهمان نسبت که از سرزمین آریا و آسیای میانه خواه بسوی شرق و یا غرب دور میگردد سن آنها کم میشود بقسمی که بنابر برآوردهای یکه از راههای مختلف شده است تاریخ تقریبی ساختمان برخی از بنای سنگی آسیا از دوهزار و پانصد سال

پیش از میلاد تجاوز میکنند در حالیکه بناهای سنگی اروپای غربی بین سالهای دو هزار و پانصد تا هزار و پانصد قبل از میلاد ساخته شده‌اند و همین تقدم تاریخی میرساند که مهد تمدن بناهای سنگی در آسیا و باغلب احتمال در «ایران بزرگ» قرار داشته و بعدها دسته‌هایی از آسیا بار و پا و شرق دور مهاجرت کرده و علم و هنر و صنعت و معماری خود را با آنجا برده و ساخته‌مان این نوع بناها را رواج داده‌اند. حال باید دید راهی که دسته‌های مزبور برای رسیدن بشرق دور و اروپا مخصوصاً اروپای غربی در پیش گرفته‌اند کدام است؛ و انگیزه‌ای که آنها را برای پیمائی دور و دراز و اداشته‌چه بوده است؛ البته تعیین دقیق چنین راهی بعد از چهار هزار و پانصد سال کارآسانی نیست ولی از روی بناهای سنگی که در مسیر مهاجرین بناسده و هنوز پابرجا میباشد میتوان حدس زد که سرزمین‌هایی که این بناهای سنگی در آن قرار دارد، روزگاری مسکن کسانی بوده که چنین بناهایی را می‌ساختند و بر سر راهی آسیای میانه بشرق دور یا اروپای غربی در مناطق و کشورهای زیر بناهای سنگی یافت می‌شود. در کشورهای زاین و کره، در تبت، در ناحیه دیلمان و املش در شمال ایران^{۲۷} در دامنه‌های کوه سبلان در آذربایجان^{۲۸} در حوالی لنگران در طالش^{۲۹} در دره اسکل^{۳۰} و جنوب شرقی شبه جزیره کریمه، در شمال ولایت آدرنه^{۳۱}

۲۷ - برای اطلاع از بناهای سنگی منطقه دیلمان و املش رجوع شود به مجله

Antiquités nationales et internationales

III e anné No 11-12 decembre 1962.

Cahier trimestriels sous la direction de André Varagnas avec la collaboration du musée d'Antiquités nationales Centre d'étude Pré et d'archéologie des écoles pratiques hautes études (Sorbonne)

گزارش محسن مقدم استاد دانشگاه تهران

۲۸ - راجع به بناهای سنگی پیش از تاریخ در ایران، از جمله آثار موجود در دامنه‌های کوه سبلان در آذربایجان تا کنون هیچ‌گونه تخمینی دقیق علمی بعمل نیامده است و تا آنجا که نگارنده آگاهی دارد تنها مدرک کتبی که وجود عده‌ای بناهای سنگی را در دامنه قله سبلان اطلاع میدهد همانا گزارش بصورت مقاله تحت عنوان «سنگ نبشته‌های دراطراف سبلان» بقلم آقای کامبیخش فرد در مجله باستان‌شناسی و هنر ایران - شماره اول زمستان ۱۳۴۷ میباشد

یا آندرنیوبل ^{۳۱} و لی در خاک بلغارستان، وبالاخره در ممالک سوئد، دانمارک، آلمان، هلند، بلژیک، فرانسه، اسپانیا و انگلستان. همچنین در حوزه مدیترانه در منطقه فلسطین و کشور اردن، در ولایت ناپل و لمباردی ^{۳۲} در ایطالیا و در جزیره کرس و ساردنی.

حال اگر اماکن و کشورهای نامبرده را بروی نقشه جغرافیا باخطوطی بهم وصل کنیم چهارراه تقریبی آسیای میانه بشرق دوریا ایران باروپای غربی بشرح زیر بدست خواهد آمد.

۱ - راه آسیای میانه، تبت، کره و ژاپن.

۲ - راه ایران، قفقاز، کریمه، روسیه، ممالک اسکاندیناوی، آلمان، هلند، بلژیک، فرانسه و انگلستان.

۳ - راه ایران، قفقاز، کریمه، بلغارستان، آلمان، فرانسه، اسپانیا و انگلستان.

۴ - راه ایران، فلسطین یا اردن و بالاخره راه دریائی ایطالیا، جزایر کرس و ساردنی، فرانسه و اسپانیا این راهها که از اتصال سرزمین‌ها و نقاطی که بناهای سنگی در آنها واقع می‌باشند بدست آمدتهای برحدس و گمان متکی نیستند بلکه کاوش‌های باستان‌شناسان و اشیائی که از زیرخاک در سرزمین‌های آسیائی و ممالک مختلف اروپای غربی کشف گردیده نشان میدهد که در

اما آنچه مسلم است در روستاهای ایلان لو از شهرستان مشکین شهر و نشیتان (نشت اوغلی) از شهرستان سراب و نقاط دیگر در آذربایجان بمقدار فراوان بناهای سنگی وجود دارد که تعداد سنگ افراشت‌های آنها بچند صد سنگ افراشت میرسد و شاید مهمترین آنان «چهل دختران» در قریه فشتیان باشد.

۲۹ - جهت مطالعه درباره بناهای سنگی حوالی لنکران رجوع شود بكتابهای :
الف - هيئت علمی فرانسه در ایران - مطالعات جغرافیایی « تالیف : ژاک دومر گان

ترجمه و توضیح دکتر کاظم و دیمی ازان انتشارات چهر - تبریز - سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۳

ب - Mission scientifique en Perse Par: J. de Morgan - Tame
IV Racherbhes archéologiques. Paris 1896

Skele - ۳۰

۳۱ - Ardrinople. ۳۲ - Lombardie.

قرون بعد هم راههای هزار مورد رفت و آمد اقوام و افراد بوده است و هنوز هم راههای اصلی آسیای میانه بشرق دور و ایران باروپای غربی تقریباً از همین مناطق میگذرد.

اما با یک دقت مختصر در وضع راههای فوق که بر حسب توزیع بناهای سنگی تنظیم گردیده بزید گیهائی در آنها ملاحظه میشود که مربوط بعدم وجود بناهای سنگی در قسمت‌هایی از آسیا و اروپا میباشد.

چه بطوری که از تحقیقات باستان‌شناسان نیز برمی‌آید در اروپای شرقی، مرکزی و شمالی باستثناء ممالک اسکاندیناوی بنای سنگی وجود ندارد و علت نبودن بناهای سنگی در اروپای شرقی، مرکزی و شمالی دو چیز است.
 ۱ - وجود اقوام و طوایفی در این نواحی که هیچ‌گاه پیرو آداب و رسوم ساختمان بناهای سنگی نبوده‌اند و شاید باهم‌جریانی که از چنین طریقه‌ای پیروی میکردند مخالفت میورزیده و مانع از اقامت آنها در نواحی هزار بور میشده‌اند و بهمین جهت مهاجرانی که از آسیا باروپا میرفتند ناچار میگردیدند، از سرزمینهای آنها گذشته بنقطه دورتری بروندتسا بتوانند با فراغ خاطر باجرای مراسم و مناسک خویش بپردازنند.

۲ - خصوصت پیروان ادیان و مذاهب مختلف در ادوار متفاوت با معتقدین فرقه مذهبی که بساختن بناهای سنگی مبادرت میورزیدند واژ نظر تعصبات دینی بازار و ادبیت پیروان این فرقه کوشیده بقصد انجام یک کار نیک یعنی از بین بردن آثار الحادوبت پرستی بتخربی بناهای سنگی میپرداختند، چه این بناها را کار دیوان نابکار و یا یادگارهایی از دوره بربریت و پرستش اشیاء و بالآخره بتپرستی می‌پنداشتند.

در صورتیکه آنها در حقیقت شاهکارهایی از علم، هنر، صنعت، فعالیت، سعی و پشتکار بشری بودند که بدست نابخردانی متعصب ویران میگردیدند. در اشعار شعراء، در ادبیات عامیانه، در افسانه‌های کهن ملی آریائی، ضمن شرح زندگی دلاوریهای پهلوانان و مبارزات آنها با دیوان و بدکاران، اغلب اشاراتی بخراب کردن بناهای سنگی میشود، و همین اشارات میرساند

که از قدیمترین ادوار پیوسته اشخاصی در ویرانی و نابودی این بنایها دست داشته‌اند. در بعضی از کتب مذهبی و در پاره‌ای از آثار نویسندگان که درباره ادیان یهود، مانوی، مزد کی و مخصوصاً زرتشتی مطالبی ذو شده بطور جسته گریخته از مخالفت شدید این ادیان با فرقه منسخه‌ای که طبق آداب و رسوم خویش بنای‌های سنگی می‌ساختند، سخن بمیان آمده ولی در دین عیسوی و بویژه کلیسا‌ای کاتولیک این مخالفت بصورت فتاوی و قوادین مذهبی درآمده و فرمائه‌ای در هزاره اول میلادی راجع بآن صادر شده است که بخاطر اجتناب از تطویل کلام از ذکر آنها خودداری می‌شود.

حال باید وید طریقه مذهبی که ساختن بنای‌های سنگی مبادرت می‌ورزیده و این قدر مورد عداوت ادیان و مذاهی مختلف در ادوار متفاوت قرار گرفته چه بوده و چه تحولاتی پیدا کرده است؟ متأسفانه از اصول و عقاید این طریقه و دستگاه فلسفی آن اطلاعات کامل و درستی‌بما نرسیده است ولی آنچه بطور آشکار در آثار و بنای‌های آن ملاحظه می‌شود توجه مخصوصی بستار گان و نجوم و احترام آمیخته به پرستش نسبت به آفتاب از اصول عقاید آنها می‌باشد. این طریقه در طول تاریخ چندین هزار ساله خویش تغییرات و تحولات بسیار یافته و بر حسب زمان و مکان و بنابر معتقدات مذهبی‌اسامی فراوان مانند بت پرستی، آتش‌پرستی، آفتاب‌پرستی و غیره بخود گرفته فرق گوناگون از آن بوجود آمده و منشعب شده است تا جایی که بعضی از آنها با صورت اولیه مثل روز و شب با هم فرق داشته و حتی ساختمان بنای‌های سنگی را از یاد برده است. معذلك طریقه مزبور همیشه در برابر تجاوزات و فشارهای ادیان و مذاهی دیگر برای حفظ بقای خویش سرمهختانه مقاومت کرده و بمبازرات خصمانه پرداخته و نه تنها تسليم نشده بلکه در سایر ادیان و مذاهی مخصوصاً زرتشتی تأثیر فراوان کرده است. با آنکه هیچ‌گاه دین مطلق و واحدی در عالم نبوده ولی پیروان آن پیوسته طرف عناد پیروان دیگر ادیان و مذاهی واقع شده و گاه به حدی بایشان آزار و اذیت وارد آمده است که مجبور گردیده‌اند خانه و کاشانه و بنای‌های مذهبی خود را هراساخته بنقاط دور دست بروند. پس عجیب نیست اگر امروز در سه

قاره آسیا، اروپا و افریقا بناهای سنگی بتعداد زیاد دیده میشود. از طرفی چون سرزمین ایران مرکز پیدایش و یانشونمای اغلب ادیان و مذاهب جهان بوده لذا مبارزه برعلیه طریقه ایکه بناهای سنگی میساخنند در این سرزمین از دیرزمانی پیش آغاز گردیده و بوسیله ادیان و مذاهی هم که بعداً بوجود آمده بی گیر شده است. در نتیجه بناهای سنگی هم در این سرزمین زودتر و بیشتر از بین رفته است در حالیکه در کره و اروپای غربی مخصوصاً کشورهای فرانسه و انگلستان که از ایران دور بوده و مهاجرت بدین نواحی بعداً صورت گرفته آثار آن بیشتر باقی مانده است بقسمی که اکنون در ایران تعداد بناهای سنگی از چند صد عدد تجاوز نمیکند در صورتیکه در فرانسه تعداد آنها به ۶۸۴۰ بالغ میگردد. بناهای سنگی که تاکنون در ایران دیده شده بیشتر از نوع سنگ افراشت های ساده، سنگ رودها و خانه سنگی هاست و در دامنه های کوه سبلان در آذربایجان ۲۳ در نواحی دیلمان و املش و دو سنگ افراشت توأمان در جزیره خارک میباشد که اهالی این جزیره آنها را دخواهرون مینامند و عقیده دارند که این دو سنگ دو خواهر بوده که روزی لخت شده بودند تادر دریا شنا و شست و شوکنندنا گاه عده ای نامحرم بجزیره وارد میگردند و به ذذیدیک آنها میرسند دو خواهر ان از خیجالت و برای پوشانیدن بدن خود بهم میچسبند و در همین حال سنگ میشنوند. اما خانه سنگی ها که بصورت اطاق های کوچک و یا بزرگی هستند که برای قراردادن نعش و یا استخوان مرد گان در آنها ساخته شده اند، و همیشه لااقل یک طرف آنها باز و یاداری در ویاسوراخی است که اغلب بسوی خورشید نگاه میکنند، بصورت پابرجا در ایران تابحال مشاهده نشده اند ولی اثر آنها را تاحدی

۳۳ - از جهت عکس هایی که از بناهای سنگی پیش از تاریخ دامنه های کوه سبلان در این مقاله بچاپ رسیده است خود را مر هون لطف آقای کامبخش فرد میداند.

برروی گورها در عقاید و آثار ادبیان هزاره ای و زرتشتی میتوان دید. او مستند در فصل دوم از کتاب تاریخ شاهنشاهی هخامنشی در مبحث دینهای پیشین ایران شرحی بطرز بیرون گذاشتن مردگان دارد که بیشتر بدین زرتشتی مربوط است و ترجمه آن عیناً نقل میگردد.

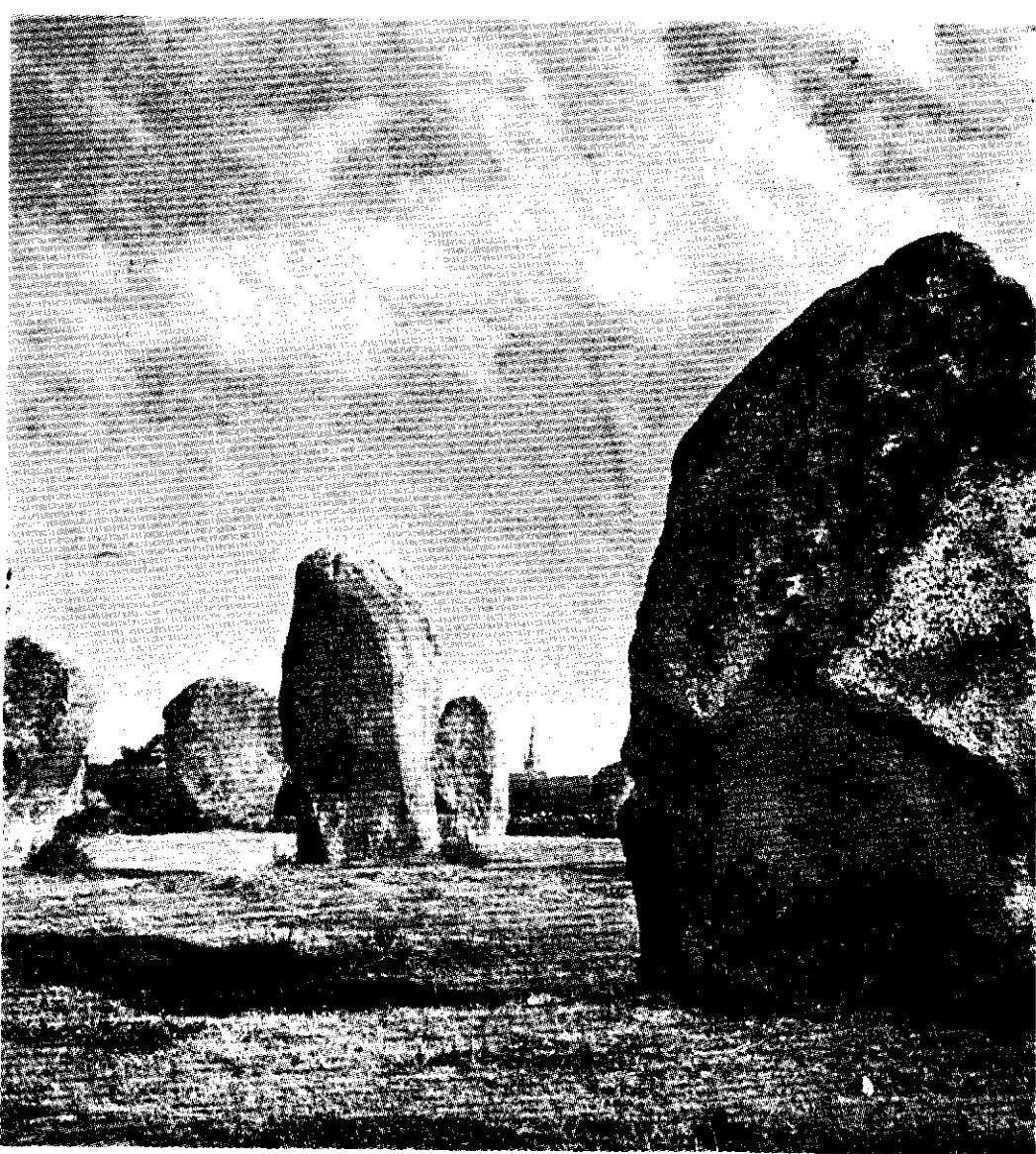
« باهمه نیروئی که اهربیمن و دارودسته‌ی دیوان داشتند، در زندگی « هر روزه ترسناک‌ترین آنها در وح نعش بود که بیشترداد ضد دیوان (وندیداد) » درباره اوست. همسایگان و دشمنان میتوانستند مرده را به خاک بسپرند، « یابسوزانند، ولی چنین طرز آسان بیرون گذاشتن مرده شایسته‌ی پیروان، » مجوسیان نبود. باهمه احتیاط پیدا بود که در وح نعش زنده‌هارا بافساد « اهریمنی و پلیدی خود خواهد پوشانید. از آن دمی که نفس تن را ترک میگفت، » نعش ناپاک بود، چون در وح نعش نزدیک آن در هوادر پرش بود که بازماندگان، « را گزند بر ساند. تنها با غاہداشتن سخت آئین دستور داده شده در امان بودند؛ » مرده نباید خاک و یا آب مقدس را پلید کند، نعش را باید بر بلندترین، « نقطه‌های زمین گذاشت و هوی سر و پای آنرا بادقت بزمین بست تاسگان، » و گرگان آنرا بخورند فقط زمانی که استخوانها از ماده‌های مرده و خطرناک، « پاکشده میتوان آنرا در استودانی گردآورده استودان باید سوراخ داشته باشد، » تاهره بتواند باز به خورشید نگاه کند. این لکه‌ی استودان در تمام، « نوشه‌های بعدی زرتشتی رخنه کرده و بالانبوه روانهای بدکار پر آزار خوانده، » را افسرده و اندوه‌گین میسازد. »

در لابلای مطالب بالا میتوان اولاتاحدی رویه و تأثیر طریقه مذهبی که بساختن بنای سنتگی میپرداختند^(۱) در احکام زرتشتی یافت. ثانیاً شاید دلیل و فاسقه طرز ساختن خانه سنتگی هارا که لااقل یک طرف آنها باز و یاداری در ویاسوراخی است تاهره گان بتوانند از آن سو باز بخورشید نگاه کنند حدس

۱- تاریخ شاهنشاهی هخامنشی - ترجمه محمد مقدم - صفحه ۲۶

(۱۳)

زد و دلیل ساختن گورهای پادشاهان هخامنشی را که تنها بایک در ورودی در دل کوه رحمت در شمال بناهای تخت جمشید در فارس وغیره بنا گردیده اند یافت. باری سخن در این باره بسیار است و بعلت کمی وقت از اظهار و بحث در باره آن خودداری میشود ولی اگر حمل بر گستاخی نگردد شاید بتوان گفت که بکار بردن ستونهای سنگی بلند در بناهای تخت جمشید و بعد ادریونان و روم اثر مستقیم و یا غیر مستقیم بناهای سنگی در طرز معماری سه کشور باستانی ایران و یونان و روم بوده است.



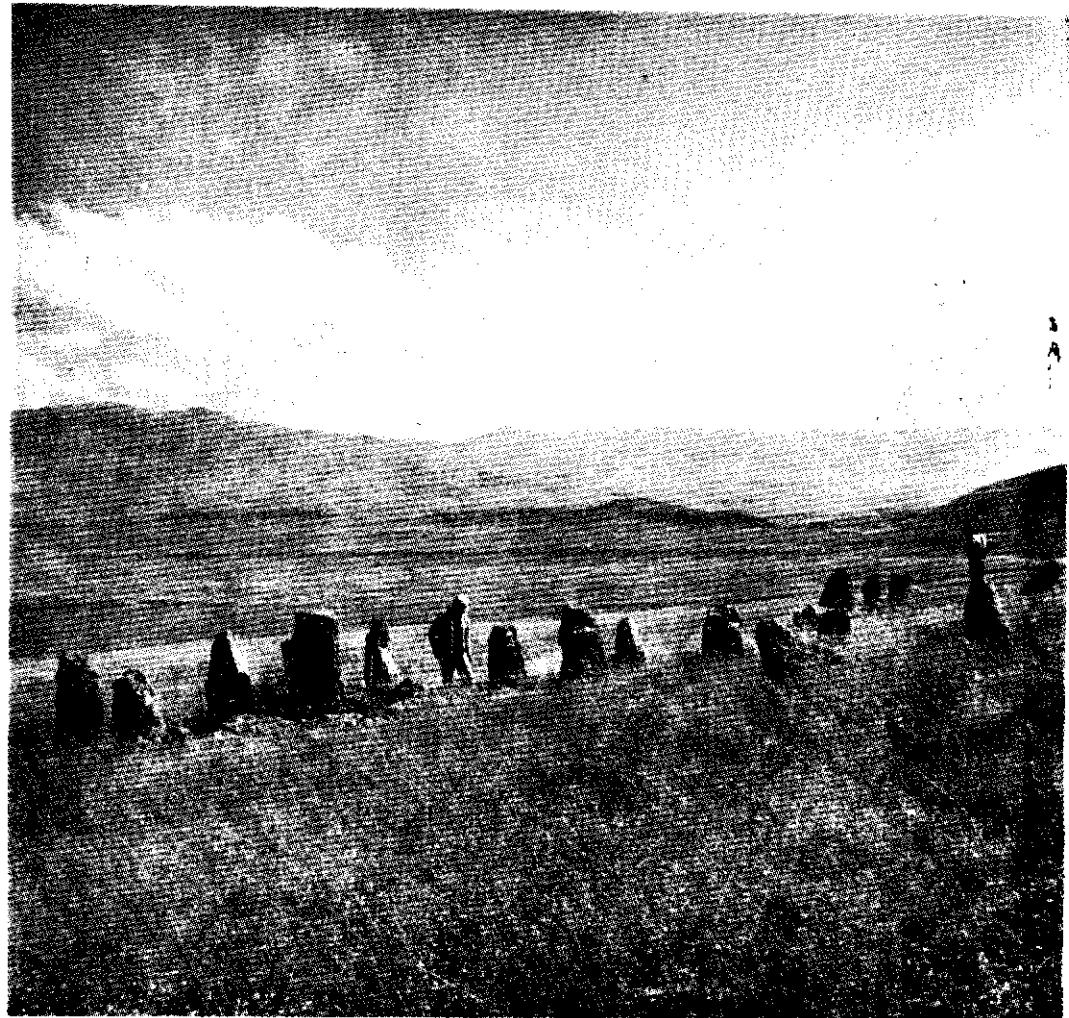
شکل ۱ - چند سنگ افراشت در منطقه کارنال در جنوب بریتانی فرانسه



شکل ۲ - خانه سنگی گیلی گی Guilliguy در بر تانی فرانسه



شکل ۳- حصار سنگی استون هنج در شمال سالیسیوری درویل شایر انگلستان



شکل ۴ - بناهای سنگی پیش از تاریخ دامنه های کوه سبلان در آذربایجان واقع در پای کوه ابلان لو نزدیک مشکین شهر



شکل ۵ – قسمت دیگری از بناهای سنگی پیش از تاریخ دامنه کوه سبلان در آذربایجان واقع در پای کوه ایلان لو نزدیک مشگین شهر



شکل ۶- بناهای سنگی بیش از تاریخ دامنه‌های کوه سبلان در آذربایجان معروف به چهل دختران نشستبان واقع در روستای نشستبان در شهرستان سراب



شکل ۷ - قسمت دیگری از بناهای سنگی معروف به چهل دختران نشتبان هنگام گمانه زنی کاوشگران اداره کل باستانشناسی ایران



شکل ۸- منظره دیگری از بناهای سنگی معروف به چهل دختران نشستبان هنگام بیرون آوردن یکی از سنگ افزاشت هائیکه بزمین افتاده و بمرور زمان در زیر شن و خاک دفن گردیده است